

تری ایگلتون

مارکس

ترجمہ

اکبر معصوم بیگی



فهرست

۷	یادداشت مترجم
۱۳	فلسفه
۲۹	انسان‌شناسی
۴۹	تاریخ
۶۵	سیاست
۷۳	یادداشت‌ها

فلسفه

هگل و ارسطویی گمان فیلسوف بودند، اما کارل مارکس به چه معنا فیلسوف است؟ مارکس مقدار زیادی چیز نوشت که درباره‌ی آن نگاه فلسفی داشت؛ اما او همچنین بی هیچ ملاحظه‌ای به دیده‌ی تحقیر به ذهن فلسفی می‌نگریست، و در برنهادی یازدهم پُرآوازه‌اش درباره‌ی فویرباخ اعلام کرد که «فیلسوفان به راه‌های گوناگون فقط جهان را تفسیر کرده‌اند؛ اما نکته بر سر دگرگونی جهان است». [۱] ممکن است کسی تروچسب جواب دهد که دشوار است بتوانیم جهانی را دگرگون کنیم که نتوانیم آن را بفهمیم، البته به شرط آن‌که خود مارکس یقیناً با این سخن هم‌داستان نباشد. مارکس قصد ندارد جای اندیشه‌ها را به عمل کور بدهد، بلکه می‌خواهد نوعی فلسفه‌ی عملی طراحی کند که یاری دهد تا آن‌چه را می‌کوشد دریابد دگرگون سازد. دگرگونی اجتماعی و فکری هم‌عنان پیش می‌روند. مارکس می‌نویسد: «فلسفه نمی‌تواند بدون فرا گذشتن از پرولتاریا خود را متحقق سازد، و پرولتاریا نمی‌تواند بدون تحقق فلسفه خود را متحقق کند». [۲]

برنهادی دوم او درباره‌ی فویرباخ چنین ادامه پیدا می‌کند:

این مسئله که آیا حقیقت عینی را می‌توان به اندیشه‌ی انسان